پیام عسلویه

شماره ۱۸۶۳ ◄ شنبه ۹ بهمن ماه ۱۴۰۰

آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه پیام عسلویه را در payameasalooye.ir بخوانید

رتبه ٤
امتیاز ٤٣/٢

صاحب‌امتیاز:
مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز
مدیرمسئول:
مازیار هوشمند
سردبیر:
علی هوشمند
مدیر گرافیک:
فاطمه فیصلی
صفحه آرا:
محمد عباسی
نشانی دفتر مرکزی: بوشهر-خیابان طالقانی-بعد از پمپ بنزین وزیری-ساختمان شاتل- طبقه اول-واحد۲
تلفن:
۰۹۱۷۶۶۶۰۵۵۲
نمابر:
۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱
پست الکترونیکی:
payameasalooye@gmail.com
p.asalooye@gmail.com
وبسایت: payameasalooye.ir
چاپ: کار و کارگر

یادداشت

بهرام نکیسا

استان بوشهر، گردشگری و بوم گردی

اقلیم گسترده، آب و هوای مطلوب، امنیت روحی و مهمان نوازی مردم، استان بوشهر را تبدیل به یکی از مناسب ترین مقصدها و هدف‌های گردشگری و بوم گردی و ایل درمانی هموطنان در فصول مختلف سال کرده است.

جای جای استان بوشهر با مردمانی مهربان و مقاوم همچون نخلهای زیبا در کنار سواحل است و شهرها و روستاهای آن مناسب ترین مکان اقامت، زندگی و گردشگری و بوم گردی می باشد.

چنانچه در روستاهای استان شرکت های تعاونی گردشگری و بوم گردی توسط جوانان با ذوق و هنرمند با همکاری شورای اسلامی و دهیاری روستا تشکیل شود و شرکت های مذکور با تورهای گردشگری در سایر نقاط کشور ارتباط ایجاد نمایند این اقدام موجب بوجود آمدن فرصت های شغلی متعددی در منطقه و روستا خواهد شد.

بافت تاریخی و زیبا و قدیم بوشهر، نخلستانها، باغها و کوههای دشتستان و جم و دشتی و تنگستان، سواحل دیلم و گناوه و دیر و کنگان و تنگستان و دشتی، دلوار و بندر ریگ، جزایر استان و عسلویه در کنار آثار متعدد باستانی و صنعتی این شهرستانها همگی گویای فرهنگ، تمدن و استعداد رونق مجدد این استان ساحلی است.

در صورت توجه و تمرکز، ظرفیت و جاذبه های گردشگری و بوم گردی نقطه به نقطه استان می تواند عرصه خوب در آمد و اشتغالزائی باشد. جذب گردشگر و بوم گرد فرصتی برای عرضه و فروش تولیدات و صنایع دستی ارزشمند و کم نظیر روستائی مثل گبه و گلیم، عبا و عسل، خرما و حصیر است.گبه و گلیم و عبا بافی هنر زیبای زنان و مردان هنرمند استان بوشهر در مناطق مختلف استان می باشد. تولیداتی که هریک خود شهره جهانی دارند. وقتی از گلیم و گبه گفته می شود در حقیقت از رحمت الهی، ایل و طبیعت، باران و بهار، گله و پشم، دستان هنرمند مردم تلاشگر، زحمت کش و با تجربه می گوئیم که دنیائی از مهربانی و مهارت، صمیمیت و صداقت می باشند.

مجالس شب نشینی خیام خوانی در بوشهر و اقامت در چادرهای عشایر همراه با طعم غذاهای معطر به سیر و سبزی با بوی خوش نان گرم محلی در ایام جشن و سرور و در اعیاد مبارک رجب و شعبان و ایام دهه مبارک فجر و نوروز از جمله دیگر جاذبه های منحصر بفرد استان بوشهر می باشد. بافت قدیم و بندر زیبای بوشهر، تاریخ تجارت، معماری و صفا و صمیمیت و مدارای مردم این دیار را روایت و حکایت می‌کند . به جز در بوشهر در کمتر جائی از کشور و جهان شما شاهد مجاورت و همسایگی مسجد شعیان و اهل تسنن، کلیسا و کنیسه هستید. با هر هویتی که باشید، هرگز شما در بوشهر احساس غریبی نمی کنید.گردش باد و نسیم در کوچه های این شهر، شعر و آوای زندگی، دوستی، مهمان نوازی، عشق به ایران و نام شهدا و رشادت دلیران تنگستان را زمزمه می نماید.

زیبائی توام با آرامش و امنیت سواحل و دیگر مناطق دیدنی استان بوشهر مدیون مجاهدت و ایثار شهدا، مردان همیشه جاوید ایران می باشد. سرمایه ای که می بایست آن را قدر دانست و از آن برای رونق کسب و کار و ایجاد اشتغال و آبادانی استان استفاده کرد.

خبر

اجرای عمومی جشنواره تئاتر "مختص" گناوه آغاز شد

رئیس اداره فرهنگ و ارشاداسلامی گناوه گفت: اجرای عمومی نمایش‌های دومین جشنواره تئاتر تجربی "مختص" در این شهرستان آغاز شده است.علیرضا سبحانی روز چهارشنبه در گفت وگو با خبرنگار ایرنا افزود: دومین جشنواره تئاتر تجربی مختص با تمرکز بر فضاهای اجرایی خارج از سالن و اجراهای مکان‌محور آغاز شده است و تا هشتم بهمن ماه به دبیری علی حجی ادامه دارد.

وی اظهارکرد: این جشنواره باهدف جذب استعدادهای هنری، ابتکارات جدید در عرصه نمایش و استعدادیابی به اجرا درآمده است.سبحانی گفت: متولیان جشنواره چهار اثر را در بخش نهایی برای اجرا در این جشنواره معرفی کردند که شامل " اورستیا " به کارگردانی علی رضا خسروآبادی، " در انتظار گودو" امیر محمد ابراهیمی و محمد حسین رنجبر، " خور مرده شور " محمد اوحدی حائری و "ممارست" رها امامی هستند.وی بیان کرد: به دعوت دبیرخانه جشنواره تئاتر مختص، نمایش " وارم آپ " به کارگردانی احسان شایان فرد با حضور بازیگران گروه آیدل آرتز و جمعی از هنرجویان بازیگری در بندر گناوه بازتولید و در بخش نهایی این جشنواره در حال اجرا است.رئیس اداره فرهنگ و ارشاداسلامی گناوه یادآورشد: موسسه چند منظوره فرهنگی هنری مختص در سال ۱۳۹۸ با هدف تولید در عرصه فرهنگ و هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه فعالیت گرفت و تاکنون برنامه‌های مختلفی از جمله برپایی کارگاه‌های آموزشی فیلم سازی و تولید فیلم برگزار کرده است.

خبر

اردوی ملی عکاسی در استان بوشهر آغاز شد

مدیر انجمن سینمای جوانان استان بوشهر گفت: سومین اردوی ملی عکاسی با هدف مستندسازی و ثبت و ضبط شهرهای بوشهر، خورموج، برازجان، اهرم و دلوار در این استان آغاز شد.عبدالرحمن برزگر در جمع خبرنگاران با قدردانی از عکاسان و هنرمندان شرکت کننده در اردوی ملی عکاسی استان بوشهر افزود: این اردو با هدف پایش صدا و تصویر در این استان برگزار می شود.وی بیان کرد: به یقین هم اکنون مستندسازی جامعه در حوزه های مختلف از جمله معماری، مردم شناسی، تجارت، گردشگری، دریا و دریانوردی و دیگر اشکال زیست مردم نیاز روز افزون است.

برزگرزاده ادامه داد: به همین منظور با برنامه‌ریزی انجام شده ۶۵ نفر از هنرمندان عکاس، فیلمبردار و صدابردار بومی استان و ۱۰ عکاس هم از استان های فارس،خوزستان ،سیستان و بلوچستان و هرمزگان به مدت یک ماه شهرهای بوشهر، برازجان، خورموج، دلوار و اهرم را به تصویر می کشند.برزگر اظهار کرد: این اقدام باعث خواهد شد تا تصویر واقع بیانه برای دانش پژوهان و آینده‌پژوهان حاصل کار هنرمندان سینمای جوان ثبت و ضبط شود. مدیر انجمن سینمای جوانان استان افزود: تاکنون پنج‌هزار قطعه عکس، سه‌هزار ساعت فیلم و ۲هزار ساعت صدا با کیفت مطلوب ثبت شده که پیش بینی می‌شود تا اسفندماه این آمار افزایش چشمگیری داشته باشد.در این اردو حمید علیزاده، یونس رازقی پور، سید کریم موسوی و بهروز دربندی رئوسای دفاتر انجمن سینمای جوان برازجان، تنگستان، دشتی و کارگاه عکس دلوار میزبانی را عهده‌دار هستند.

خبر

«قلندرخونه» ایرج صغیری در بازار کتاب

چاپ تازه نمایشنامه «قلندرخونه» نوشته ایرج صغیری منتشر شد. به گزارش ایسنا، این نمایشنامه در ۱۳۶ صفحه و قطع رقعی با قیمت ۵۰ هزار تومان در انتشارات نریمان منتشر شده است.

در معرفی ناشر از این کتاب آمده است: نمایشنامه «قلندرخونه» نوشته ایرج صغیری در دو نسخه بوشهری و زبان معیار، در یک کتاب منتشر شدنقد نجف دریابندری بر این نمایش و گفت‌وگوی مجتبا نریمان با ایرج صغیری نیز در ضمیمه کتاب آورده شده است.این نمایش که از جمله نمایش‌های تحسین‌شده جشن هنر شیراز ۱۳۵۳ و از موفق‌ترین اجراهای سال ۱۳۵۴ تئاترشهر بود، اینک بعد از سال‌ها دوباره روانه کتاب‌فروشی‌ها شد.

نجف دریابندری در بخشی از نقد خود بر این نمایش آورده است: «... نمایش «قلندرخونه» برای آدمی مانند نویسنده این سطور که زبان آن را می‌فهمد و با عناصر فرهنگی آن آشنا است قطعاً معنی و گیرایی دیگری دارد که نمی‌توان انتظار داشت برای همه داشته باشد، ولی قطع نظر از جنبه‌هایی که امثال من ممکن است در آن دیده باشیم، گمان می‌کنم که این نمایش برای غالب تماشاگران خود چه از حیث غنای جنبه‌های تجسمی و چه از حیث صدا و چه از حیث بازی‌های مطمئن و صمیمانه لحظه‌های خرسندکننده فراوان داشته است.»چاپ نخست این کتاب به سال ۱۳۵۳ توسط رادیوتلویزیون ملی ایران و چاپ دوم آن به سال ۱۳۹۰ توسط نشر قطره برمی‌گردد.

خبر

مجموعه شعر "شیرینیِ یادت مورچه‌ها به لانه می‌برند" در دشتی منتشر شد

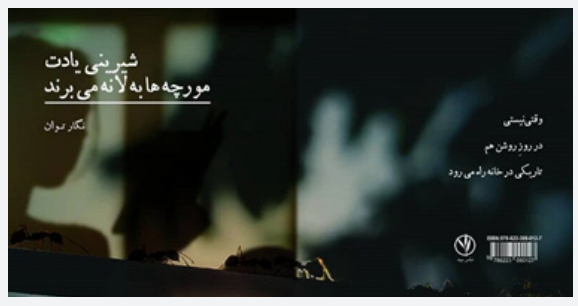

کتاب مجموعه شعر "شیرینیِ یادت مورچه‌ها به لانه می‌برند" به قلم "نگار توان" در شهرستان دشتی منتشر شد.در این کتاب ۳۹ شعر با موضوع اجتماعی در ۵۵ صفحه توسط انتشارات بید تهران به چاپ رسیده است.این مجموعه با قیمت ۶۹ هزار تومان و ۵۰۰ جلد روانه بازار کتاب شده است.طراحی جلد و ویراستاری این مجموعه شعر را نیز این شاعر جوان انجام داده است.حمید زارعی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دشتی عنوان کرد: نگار توان شاعری است که با به تصویر کشیدن خیالات و رویاها در ذهن به سرودن شعر می‌پردازد که این مولفه یکی از مشخصه‌های یک شعر موفق است.نگار توان سال ۱۳۷۳ در روستای درازی شهرستان دشتی متولد شد و دوران ابتدایی و راهنمایی را در مدارس روستا و دبیرستان را در خورموج گذراند.وی دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی است.دیوان نگار، شکوه‌ات را به دل باد بریز، کیک آلبالو و آیا نمی‌بینی خودت را در شعر پاره‌هایم؟ از دیگر آثار منتشر شده این شاعر جوان است.

پیشخوان

«سه‌نقطه» بیست و نهم روی پیشخان آمد

شماره بیست‌ونهم ماهنامه سه‌نقطه (مکتوب طنز [+جد] فارسی) منتشر شد و روی پیشخان مطبوعات آمد.

این شماره به مدیران تراز و مدیریت در سطوح کلان کشوری اختصاص داده شده و مطالب مرتبط با آن در پرونده‌ای با عنوان «مدیریت تراز» گردآوری شده‌اند. در صفحات آغازین مجله چنین آمده است: «این شماره سه‌نقطه تقدیم می‌شود به کلیه رئیسان، مدیران، فرماندهان، جانشینان، سرپرستان و سایر راس‌های مثلث بوروکراسی، که با عملکرد خود این فرصت را در اختیار ما قرار دادند.»

در آغاز سه‌نقطه ۲۹، علی آینه‌ور در مطلبی با نام «راز بقا» شطحی بر سیستم و سازمان و مدیریت زده است. پس از او امرالله احمدجو چراغ اول کرسی آزادنویسی را روشن کرده و فصل جدید قصه‌های دهکده را تحت عنوان «این از مطلّاری‌های بلانسبت و آن هم از کولیوایی‌های بلانسبت‌تر» برایمان تعریف می‌کند. سیداکبر میرجعفری در «چیزهایی درباره قورمه‌سبزی» حقایق کمتر شنیده شده‌ای را از این غذای پرطرفدار به اشتراک می‌گذارد. سپس در مطلب «پدر، پسر، و مردی از قزوین» افشار مقدم سری جدید ماجراهای سونای سعادت‌آباد را روایت می‌کند. و در آخر فصل کرسی آزادنویسی شماره ۲۹ با مطلبی از میلاد ملاعبدالوهاب تحت عنوان «بوی ماه مهر از آغاز آذر» به پایان می‌رسد که نویسنده در آن دیدگاه دانش‌آموزان و دانشجویان را درباره حضوری شدن مدارس و دانشگاه‌ها مطرح می‌کند.نیمخط شماره ۲۹ را ـ که بخش کمی تا قسمتی جدی سه‌نقطه است ـ نفیسه رحمانی در سه قسمت مختلف نوشته است. «مدیر فقط باشد، کارآمدی و این سوسول‌بازی‌ها چیست؟» عنوان قسمت اول است که نویسنده در آن توضیح می‌دهد یک مدیر تراز بطور کلی و جزئی باید چگونه باشد. در قسمت دوم تحت عنوان «ای مدیر! جان من کمی انسان باش»، نویسنده یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مکتوبات حوزه‌ی شیوه‌نامه‌های مدیریتی را مرور می‌کند. و در قسمت پایانی نیمخط این شماره مطلبی با نام «درود درود درود، درود بر مدیرتر» می‌خوانیم که سعی شده در آن به این سؤال مهم که «مدیرهای ایرانی از کدام دسته آمده و به کدام رسته می روند؟» پاسخی درخور داده شود.

تهرانشهر این شماره را هادی مقدم‌دوست با مطلبی تحت عنوان «وجب به وجب تهران کوچک من» کلید می‌زند که در آن از نسخه شخصی تهران کوچک خودش برایمان می‌گوید. پس از آن سعید بیابانکی در یادداشت «ابرمفهومی به‌نام ترمینال جنوب» روایت سال‌های دور و نزدیک خودش را به‌عنوان یک غیرتهرانی در مواجهه با پدیده ترمینال جنوب تعریف می‌کند. و در پایان عطیه همتی در یادداشتی با نام «شبیه کوچه پس‌کوچه‌های نارمکم» به سراغ تناقض‌های فرهنگی زندگی در نقاط مختلف تهران می‌رود.

ماهنامه سه‌نقطه با همکاری هنرمندان فاطمه فهیمی، فاطمه چاوشی، نفیسه رحمانی، حامد رضوی، سیدمحمد صاحبی، محمدصمدی، نیلوفربختیاری، فاطمه‌خسروانی، راحله حاجیان‌دوست و سایر دوستان و آشنایان، و به مدیرمسئولی امید مهدی‌نژاد تولید و منتشر می‌شود. بیست‌ونهمین شماره سه‌نقطه، در ۲۰۴ صفحه و با قیمت ۶۰ هزار تومان در کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های آنلاین عرضه شده است.

خبر

نان «لواش» از کجا می‌آید؟

گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی از چگونگی ساخت و تغییرات واژه «لواش» در طول تاریخ نوشته است.به گزارش ایسنا، صفحه این گروه در توضیحی درباره «نان لواش» آورده است: ««لواش» ظاهرا ترکی است. به لِواش و لَباش نیز شهرت دارد. در ایران به شکل‌های گوناگون پخت می‌شود. فرهنگ جهانگیری در یکی از معانی «لاوَک» می‌نویسد: نانی بُوَد تُنُک، که آن را لواش نیز گویند. قدمت این نان از حضور آن در شعر برخی شاعران مانند مولانا و نزاری پیداست.اولیا چلبی، جهانگرد عثمانی، در ۱۶۵۵ به نان لواش در قزوین اشاره کرده، و شاردن نیز از آن به نام لواچ یاد کرده‌است. گویا لواش در تهران تا اواخر قرن نوزدهم نبود و آن را از روستاهای اطراف به‌عنوان سوغات می‌آوردند. در اواسط ۱۹۸۰ نانوایی‌های لواش تنورهایی نصب کردند که هم‌تراز زمین بودند و کارگران هم نشسته کار می‌کردند. این نان به «لواش زمینی» شهرت داشت.منابع: فرهنگ جهانگیری؛ لغت‌نامه دهخدا؛ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی؛ «تاریخ نان در ایران» (ویلم فلور)، متن گفت‌وگوی علی بلوکباشی با ایسنا؛ تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (نوشته جعفر شهری)»

تماشا

طاهر شعبانی

یادداشت

قاب زنده

حسین انتظامی

هوالمحبور

بیست سال است که به تنهایی از دریچه نگاه او به روزهای جنگ، به هند و کشمیر، به بوسنی و هرزگوین، به لبنان و کربلا سفر کرده‌ام. بیست سال از بهمن ماه سرد رفتنش می‌گذرد، و حالا می‌خواهم دوستان قدیمی‌اش را به تماشای قاب‌هایی دعوت کنم که تا به حال ندیده‌اند.

نمایشگاه عکس‌های ابراهیم، نجوایی آرام در سکوت طولانی روزگار ماست، که حاصل فروش آن‌ها را می‌خواهیم برای رفع محرومیت هم‌وطنان جنوب شرق کشور در اختیار گروه نیکوکاران ایران زمین قرار دهیم.

نوشین خدامی

زمان گشایش نمایشگاه: هشتم بهمن ۱۴۰۰
نمایش فیلم مستند مکتوب طولانی ساعت ۱۵:۹۵ سالن شماره یک
افتتاح نمایشگاه عکس: ساعت ۱۷:۰۰ گالری شماره یک

زمان و ساعات بازدید نمایشگاه:
نهم تا پانزدهم بهمن ۱۴۰۰ ساعت ۱۰ صبح الی ۱۸ عصر
جمعه‌ها ۱۹ الی ۱۸ عصر

ابراهیم و من، همسن و سال بودیم. او البته در دبیرستانی دیگر بود اما به واسطه پسرخاله شهیدش (علیرضا مهدوی) که بزرگِ حلقهِ شهید حکمت بود به این جمع در آمده بود. از همان آغاز، به رغم بقیه که رسمی و اتو کشیده بودیم، رها و بی غل و غش بود و ناگفته پیداست جمع ما را با همین صفایش رنگی دیگر می‌بخشید.

آشنایی ما به قبل‌تر بر می‌گشت: حزب جمهوری اسلامی مشهد. من و سایر دوستان آن حلقه، در واحد دانش‌آموزی بودیم و او در واحد نوار کار می‌کرد. ممکن است تعجب کنید واحد نوار! بله، یکی از وجوه کادرسازی در سالهای پایانی دهه ۵۰ و آغاز دهه ٦٠، امانت‌گیری و گوش‌کردن نوارهای تشکیلاتی بود. عمدتا سلسله درس‌ها و سخنرانی‌های شهید بهشتی و شهید باهنر و سایر موسسان حزب برای آشنایی با مواضع.

پدرش از نسخه شناسان کم نظیر بود، یک روحانی با سلوکی متفاوت : زمینی، اجتماعی و اخلاقی، با استخاره‌های نقطه‌زن! روحش شاد. ابراهیم تقریبا همیشه جبهه بود و کمتر از ۱۷-۱٦ سال داشت که جراحتی جدی برداشت و اگر مسیری طولانی را با آن حال نیمه جان، شنا نکرده بود زنده نمی‌ماند. بخشی از عصب های فک و دهانش قطع شده بود و تا مدتها وقتی چیزی می‌خورد، زبانش را هم می جوید و به ناگاه دهانش پر خون می شد. او البته هیچگاه از فضیلت جانبازی، قبا ندوخت. در سالهای دانشجویی، مدتی همخانه هم بودیم، او سینما می‌خواند در دانشگاه هنر و من، نفت در دانشگاه تهران؛ و طبیعی است این همنشینی در الفتِ ذهنِ سخت افزاری امثال من با جهان ادبیات و هنر بی‌تاثیر نبود. همکار هم بودیم. او عکاس دفتر نمایندگی روزنامه قدس در تهران بود و اتاقکی برای ظهور و ثبوت عکس با آن نور قرمز و رنگ نوستالژیک داشت – که عکاسان قدیمی می‌دانند چه می‌گویم.

از نزدیک شاهد بودم که چه مرارت ها کشید تا به جرگه فیلمسازی درآید. کار حرفه ای را با ابراهیم حاتمی‌کیا شروع کرد: بازی در فیلم مهاجر و در کارهای بعدی حاتمی‌کیا، برنامه‌ریز و دستیار شد. از السابقونِ روایت فتح هم بود. نگاه خلاقانه عکاسی و فیلم کوتاه را هیچگاه کنار نگذاشت و مرتبا در سفر بود: بوسنی، لبنان، عراق و ...

از سقوط هواپیمای ۹۵٦ خرم‌آباد بیست سال می‌گذرد. برای ضبط خاطرات مادری شهید به لرستان می‌رفت. ظاهرا برداشت اول، مورد پسندش نبود؛ و او که وسواس هنری داشت برای برداشت دوم عازم این سفر بی بازگشت شد.

اینک همسر گرامی او نمایشگاهی از عکس های دیده نشده ابراهیم ترتیب داده است، با مرور فیلم‌های مستندش. و آفرین به این همت و حمیت، و به این پایمردی و وفاداری. ابراهیم هنوز در ذهن و ضمیر دوستانش زندگی می‌کند؛ با همان شور و مسئولیت و جسارت. و هنوز یادش کام دوستان قدیم را شیرین می کند.

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز
چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

خبر

" سایه " در سلامت است

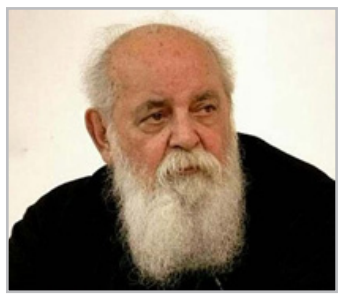

پس از انتشار پستی در فضای مجازی از سوی دختر استاد امیرهوشنگ ابتهاج که برخی نگرانی و گمانه زنی‌ها را به همراه داشت، یلدا ابتهاج از صحت و سلامت استاد خبر داد و گفت: جای نگرانی نیست؛ "سایه " سلامت است و سایه‌اش بر سر ما است.به گزارش خبرنگار ایرنا، یلدا ابتهاج پستی را با محتوای اندوه در فضای مجازی منتشر کرد که نگرانی کاربران و دوستداران شعر و ادب را برانگیخت. دختر استاد امیر هوشنگ ابتهاج روز چهارشنبه در واکنش به پست نگران کننده خود به خبرنگار ایرنا گفت : پیام‌ها را دیدم اما جای هیچ نگرانی نیست و استاد در سلامت کامل به سر می برند. امیرهوشنگ ابتهاج متخلص به "ه.ا.سایه" شاعر و غزلسرای معاصر گیلان و ایران است. سرایش های پرنیانی وی از گیلان در بسیاری از کشورهای جهان تفسیر شده است. گیلان کهن، سرزمین باران و فرهنگ مفاخرش همچنان پرقوت و استوار همچون هیرکانیان هزاران ساله اش یک به یک سایه سار کشور و جهانیان شده اند؛ سایه زاده اسفندماه ۱۳۰۶ در محله استادسرای رشت در کنار مفاخری چون پروفسور فضل الله رضا، سمیعی، بهزاد، کیومرث صابری و دیگر بزرگان افتخاری از گیلان برای ایران هستند.نگاه کن/ هنوز آن بلند دور / آن سپیده / آن شکوفه زار انفجار نور / کهربای آرزوست / سپیده ای که جان آدمی همواره در هوای اوست / به بوی یک نفس در آن زلال دم زدن / سزد اگر هزار بار بیفتی از نشیب راه و باز رو نهی بدان فراز /چه فکر می کنی ؟/جهان چو آبگینه شکسته ایست /که سرو راست هم در او /شکسته می نمایدت /چنان نشسته کوه /در کمین دره های این غروب تنگ /که راه بسته می نمایدت /زمان بی کرانه را /تو با شمار گام عمر ما مسنج /به پای او دمی ست /این درنگ درد و رنج /بسان رود /که در نشیب دره سر به سنگ می زند /رونده باش /امید هیچ معجزی ز مرده نیست / زنده باش